



داود بهائی

گفتم علت تشیع ایرانیان و انگیزه مسلمانیشان یک چیز است یعنی همان عاملی که باعث شد ایرانی مسلمان شود. همان عامل نیز سبب شیعه شدن ایرانیان گردید ایرانی هم شده خود را در اسلام یافت و روح و معنی اسلام را هم در نزد خاندان رسالت.

اگر ایرانی بنهائی به تشیع گروید، بخاطر این بود که تنها خاندان رسالت را نمونه تربیت اسلامی و الگوی انسانیت یافت. ایرانی چون اسلام را از روی مطالعه و دقت پذیرفته بود، بیش از هر ملت دیگر به روح و معنی اسلام توجه داشت. به همین دلیل توجه اش به خاندان رسالت هم بیش از هر ملت دیگر بود و همین هم، سبب انتشار تشیع در ایران گردید.

متأسفانه در قلمرو اسلامشناسی مستشرقان، گاه به علت نداشتن تأمل و اطلاعات کافی و گاه در اثر عدم تسلط به زبان عرب و معارف اسلامی و گاهی هم بیشتر از روی غرض ورزی، نسبت به حقایق مذهب جهان شیعه اشتباهات بسیاری رخ داده است و درباره پیدایش شیعه و شیعه شدن ایرانیان مطالبی چنان برخلاف واقعیت و دور از حقیقت گفته اند و اظهاراتی چنان ضد واقعیت درباره شیعه درج کرده اند که به هیچ وجه قابل چشم پوشی نیست.

اکنون برای تأیید این مسأله سخن چند نفر از آنان را در اینجا می آوریم:

نوشته های کین توزانه مستشرقان:

"پروفیسور ویکنز" درباره تشیع می نویسد "در اینکه تشیع از لحاظ مظاهر دینی یک پدیده کاملاً ایرانیست جای هیچ شکی نمی تواند باشد."^۱
 "کنت کیننو" در کتاب "فلسفه و ادیان در آسیای مرکزی" عقاید شیعه را در باب امامت با عقاید قدیمی ایرانیان درباره سلاطین ساسانی مربوط دانسته و ازدواج امام حسین (ع) را با شهربانو عامل سرایت عقیده ایرانی به عقاید شیعه معرفی نموده است.^۲

ادوارد براون "نیز در این باره نظریه "کیننو" را ذکر کرده و می گوید "نگارنده معتقد است که حق با کیننو بوده است آنجا که می گوید ایرانیان سلطنت را حق آسمانی یا موهبت الهی می دانستند که در دودمان ساسانی به ودیعه قرار گرفته بود. و این عقیده تأثیر عظیمی در سراسر تاریخ ادوار بعدی ایران داشته است. علی الخصوص علاقه شدید ایرانیان به مذهب تشیع تحت تأثیر همین عقیده است که محکم به مذهب تشیع چسبیده اند، انتخاب خلیفه یا جانشین روحانی پیغمبر هزاندازه نزد عرب دموکرات، امر طبیعی بود ولی در نظر اهل تشیع غیر طبیعی می نمود و جز ایجاد اشمزاز اثر دیگری نداشت. . . به عقیده ایرانیان حسین بن علی (ع) شهربانو دختر بزرگد سوم آخرین پادشاه ساسانی را به حیاله نکاح در آورد و بنابراین هر دو فرقه بزرگ تشیع (امامیه و اسماعیلیه) نه تنها نماینده حقوق و فضائل خاندان نبوت اند بلکه واجد حقوق و فضائل سلطنت نیز می باشند زیرا نژاد از دوسو دارند از بیت رسالت و از دوره ساسانی."^۳

"دکتر هاز آلمانی" درباره شیعه بودن ایرانیان چنین می نویسد "با اینهمه تشیع هم در واقع یک وسیله دفاع است که روح ایرانی بوجود آورد فکر ایرانی تشیع را پذیرفت چون جنبه عرفانی و احساساتی دارد و نیز تردیدی نیست که ایرانیان در صدر اسلام خود را مانند حضرت علی (ع) و اولادش مظلوم می دانستند و موهون و مغلوب می شمردند و مانند ائمه خود در آینده شمول نجات و رحمت الهی را در حق خود امیدوار بودند."^۴

"پروفیسور هانری ماسه" درباره علل گرایش ایرانیان به تشیع می نویسد: معجزاً امری که درباره اصلیت آن تردید است ولی بوسیله چند نفر از تاریخ نویسان معتبر نقل شده ایرانیان را به جانب مذهب شیعه کشانیده می گوید حسین بن علی

دختر آخرین پادشاه ساسانی را که در حین تسخیر ایران اسیر شده بود بزوجیت خود درآورد، پس با این وصلت، امامان میراث نبوی را با میراث پادشاهی که بر حسب قانون الهی بود، برای خویش جمع آوردند.^۵

آری این طرز فکر در میان مستشرقان وجود دارد و آنها دست بردار نیستند و از هر راهی می کوشند علاقه و ارادت های ایرانیان را نسبت به خاندان رسالت صادقانه ندانند نوعی عکس العمل زیرکانه در مقابل اسلام، و لا اقل در مقابل اعراب، برای احیا، رسوم و آئین قدیم ایرانی معرفی نمایند. ما نمی دانیم از کجا داور ایرانیان شده اند.

عوامل چهارگانه

بهر حال، طبق ادعای خاورشناسان، و اسلامشناسان غربی. این چند عامل باعث شیعه شدن ایرانیان گردیده است:

۱- ایرانیان بخاطر اعتقاد به "حکومت موروثی" به اصل "امامت موروثی" گرویدند.

۲- ایرانیان قدیم سلطنت را حق آسمانی و موهبت الهی می دانستند و این عقیده با مذهب شیخ سازگار بود.

۳- ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو دختر بزرگرم سوم آخرین پادشاه ساسانی باعث شیعه شدن ایرانیان گردید.

۴- مذهب شیعه ایرانیان بوجود آوردند یعنی تشیع تعبیرگونه ای بود از اسلام در نظر ایرانیان و واکنش روح ایرانی در برابر عرب

این علل و عواملی که مستشرقان درباره پیدایش مذهب شیعه شدن ایرانیان ذکر کرده اند به اقتضای مراسم فکری و اصرار در توجیه و تعلیل همه پدیده ها و جریانهای دینی برپایه آنها و رسوبات اعتقادیشان می باشد. آنان به این مسائل از زاویه دید خاصی می نگریستند و به تحلیل آنها پرداخته اند البته پیدا است که به روح و جوهر مذهب تشیع و اصالت و نیروی حیاتی آن کاملا بیگانه هستند از این رو علل و عواملی که برای شیعه شدن ایرانیان ذکر نموده اند، قابل قبول نیست.

- ۱- بنا بنقل حمید نیز نوری، در کتاب "سهم ایران در تمدن جهان" صفحه ۲۶۰
- ۲- همان کتاب صفحه ۲۷۵
- ۳- تاریخ ادبیات ج اول صفحه ۱۹۵
- ۴- ایران از نظر خاورشناسان صفحه ۲۲۵
- ۵- تمدن ایرانی اثر چند نفر از خاورشناسان، ترجمه دکتر عیسی بهنام صفحه ۲۴۶

عقبی بخشایشی

اعتیاد: از دیدگاه دین و حرد

اسلام مصرف مواد مخدر را جز در موارد ضرورت: معالجه و مداوا، حرام و نامشروع اعلام می دارد

عواقب زیانبار آن اشاره می گردد.

۱- زیانهای فردی

فردی که به چنگال مهیب اعتیاد گرفتار آمد او را شخصی عاقل و باطل و ناتوان و عاجز می گرداند که هرگز نمی تواند در زندگی نقش حیاتی خود را در کربان اجتماعی ایفا نماید و بسیار طبیعی است چنین فردی، یک عضو انگل خواهد شد (علی-ع-در یکی از کلمات خود می فرماید "از رحمت الهی دور باد! فردی که بار خود را بر دوش دیگران بیفکند (ملعون من القی کله علی اخیه)

۲- تباهگر کرامت انسانی

مواد مخدر شخصیت انسانی و فضائل اخلاقی و عزت نفس و سربلندی و افتخار را از فرد سلب می کند و به جای آن زبونی و ذلت و فرومایگی و بدبختی را می نشاند که در اثر آن محتاد حاضر است دست

فقه زنده و جاویدان اسلام که بر پایه عقل و منطق و اندیشه استوار است و یکی از پایه های استدلالی آنرا ارزیابی مصالح و مفاسد تشکیل می دهد اعتیاد به مواد مخدر و دیگر اعتیادهای زیانبار و فساد انگیز را که کوچکترین نفعی به حال مردم ندارند حرام و غیرمشموع اعلام کرده است و مرتکب آنرا علاوه بر مضرات فردی و جسمی که متحمل می گردد مستوجب عذاب و عقاب الهی معرفی می کند...

تحریم اسلام بر اساس بینش خاص انسانی اجتماعی و اخلاقی پایه گذاری شده است که در تفسیر و توجیه نظریه اسلام می توان افزود که فساد الكل با دیگر مواد مخدیری تنها در مضرات جسمی و روانی و فردی آن خلاصه نمی گردد، بلکه ارتکاب و آلودگی به آنها دارای عواقب وخیم اجتماعی، اقتصادی، و خانوادگی متعددی است که هر کدام به تنهایی می تواند علت تحریم و ممنوعیت آن بشمار آید اینک به برخی از